

## ارائه مدل پارادیمی ساماندهی حاشیه شهر کرمان

**امان الله جمشیدی**، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

**کمال جوانمرد**، استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

**مهرداد نوابخش**، استاد جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاداسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۳

### چکیده

یکی از مهم‌ترین مسئله‌های شهر کرمان گسترش حاشیه شهر کرمان است بنابراین این تحقیق حاضر باهدف ارائه مدلی برای ساماندهی حاشیه شهر کرمان انجام شد. تحقیق حاضر با روش گراند تئوری با رهیافت ساخت گرایانه که توسط چامز انجام شد. تعداد نمونه ۱۸ نفر که به صورت هدفمند از افرادی که در این زمینه تخصص و اطلاعات کافی را داشتند؛ تا اشباع نظری ادامه داشت. رهیافت چامز دو مرحله کدگذاری دارد؛ که در مرحله کدگذاری اولیه (۵۶) و کدگذاری متمرکز (۴۵) مقوله شناسایی شد. ابزار گردآوری داده‌ها تحقیق مصاحبه نیمه ساختاریافته است. روایی صوری متن مصاحبه‌ها توسط اساتید و اعتبار اعضا تأیید شد و پایانی از طریق توافق درون موضوعی حاصل شد. بدین صورت اساتید راهنما و مشاور دو متن تایپ شده مصاحبه را کدگذاری کردند که میزان تشابه ۷۸٪ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب است. یافته‌های تحقیق نشان داد شیوه ساماندهی تخریب؛ تخلیه؛ بهسازی (کند و محدود به اقدامات ناکافی) در حال حاضر در شهر کرمان اجرا شده است و راهکار ساماندهی حاشیه شهر کرمان شامل اجرای طرح کمربند سبز شهر کرمان؛ از بین رفتن تعارض منافع ارگان‌ها؛ بهسازی همراه با توانمندسازی و مشارکت افراد حاشیه؛ استفاده از کارشناسان در اجرای طرح‌ها؛ مشخص شدن قوانین ساماندهی و لازم اجرا شدن آن‌ها؛ قرار دادن ملک به شرط تملک است. در نتیجه می‌توان زمینه‌های علی ساماندهی با نظریات انگلس، زیمل و هاروی و ولوفور و در بخش راهکار نظریه ساماندهی و توانمندسازی تبیین کننده است.

**واژگان کلیدی:** ساماندهی حاشیه شهر، حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، گراند تئوری کرمان.

## مقدمه

جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان از همان ابتدای پیدایش و گسترش شهرها صنعتی در قرن ۱۹ شهر را به‌عنوان پدیده‌ای همراه با پیامدهای مثبت و منفی برای جامعه بشری در نظر گرفته و آن را محور مطالعاتی خود قرار داده‌اند. بعد از انقلاب صنعتی هم‌زمان با توسعه شهرهای انگلستان و سپس سایر شهرهای اروپایی حاشیه‌نشینی و زاغه‌نشینی فزونی گرفت.

گفتمان حاشیه‌نشینی به‌ویژه از دهه ۱۹۵۰ با مهاجرت‌های شدید روستاییان به شهرها یکی از مباحث دانشگاهی و تحقیقاتی کشورها شد (امیری و خدائی، ۱۳۹۰: ۱۶). یکی از چالش‌های بزرگ جهان رویارویی با حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی و پدیده‌هایی که در حاشیه شهرها شکل گرفته است؛ به وجود آمد. دفتر برنامه‌ریزی اسکان بشر سازمان ملل متحد در دهه اول قرن بیست و یکم یعنی از سال ۲۰۰۰ تا سال ۲۰۱۰ میلادی، رشد ۲۲۷ میلیون حاشیه‌نشین در کشورهای مستعد این پدیده را پیش‌بینی کرده بود. طبق آخرین اطلاعات سازمان ملل متحد، بزرگ‌ترین منطقه فقیرنشین جهان در هندوستان و در شهر بمبئی قرار دارد. در لیست کشورهای دارای مناطق فقیرنشین، کشورهای ثروتمندی مثل ایالات متحده، استرالیا، اسپانیا، ترکیه و حتی انگلستان نیز وجود دارد (ملیک<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۴۴). پدیده حاشیه‌نشینی نه تنها در جهان در حال گسترش است بلکه ایران نیز با چالش ۱۸ میلیون حاشیه‌نشین مواجه است. با در نظر گرفتن این که حدود ۵۵ میلیون نفر از جمعیت ایران شهرنشین هستند، بنابراین با یک محاسبه ساده مشخص می‌شود که تقریباً یک‌سوم شهروندان ایرانی حاشیه‌نشین هستند.

باید در نظر داشت که پویایی جوامع کنونی و ساختارهای جدید قومی، تجدید ساختارهای دولتی؛ نوع و شکل حاشیه شهری را تغییر کرده است. بحث از حاشیه‌ها، زاغه‌نشینی و حاشیه‌نشینی لزوماً شامل تحلیل فرآیندی که در آن حاشیه‌ها در رابطه با هسته یا جریان اصلی تولید می‌شوند، نیست. بلکه نیاز به دیدگاهی همه‌جانبه دارد چرا دنیای ما به‌طور فزاینده‌ای پیچیده‌تر شده که قطبی شدن جوامع بر این پیچیدگی افزوده است. حاشیه‌نشینی تحت تأثیر پارامترهایی هم چون فقر اقتصادی، عدم تخصص، نوع شغل، تعارض فرهنگی، بی‌سوادی، هویت قومی و فرهنگی، غیرقابل کنترل می‌شود در نتیجه عوارض این پدیده به حوزه شهری و ملی نیز گسترش می‌یابد. در بحث مربوط به حاشیه شهرها فقط حاشیه‌نشین‌ها نیستند که مشکل‌آفرین هستند و احتیاج به ساماندهی دارند بلکه برکنار حاشیه‌نشینی و در اطراف شهرها پدیده زاغه‌نشینی هم وجود دارد. معمولاً در مناطقی که پایین‌ترین حد امکانات (حتی کمتر از مناطق حاشیه‌نشین) را دارد اطلاق می‌شود. هاروی<sup>۲</sup> معتقد است که «محلات زاغه‌نشین آخرین چاره بازماندگان است در تلاش برای به دست آوردن مزایای شهری، هستند. این محلات از نظر مدرسه، جمع‌آوری زباله، روشنایی معابر، خدمات اجتماعی و هر چیز دیگری که به‌طور دسته‌جمعی فراهم می‌شود نیز بازمانده‌اند (هاروی، ۱۳۷۶: تفاوت حاشیه‌نشین‌ها و محلات زاغه‌نشین در این است که ساکنان این محلات به علت روبرو بودن با خطر اخراج

1- Marginalization

2- Malik

3 - Slum

4 - Harvi

و تخلیه حاضر نیستند درآمد محدود خود را صرف بهبود مسکن و سایر تسهیلات زندگی کنند (آپاسمای، ۱۹۹۴: ۷۰).

در کنار زاغه‌نشینی‌ها پدیده‌ای دیگر که در حال زیاد شدن در اطراف کلان‌شهرهاست، پدیده سکونت‌گاه‌های خودرو است که سرپناهی خلق‌الساعه و بر زمین متعلق به غیر در حاشیه شهرها برپا شده است این نوع سکونت‌ها عموماً در جوامع جهان سوم مرسوم نیست و در شهرهای توسعه‌یافته می‌توان دید (پیران، ۱۳۷۳: ۶۰). اگرچه با توجه به تغییرات اقتصادی کنونی این پدیده در شهرهای ایران مشهود است.

حاشیه‌نشینان شهری، معمولاً در هم ابعاد مختلف زندگی (بعد فیزیکی مسکن‌های نابهنجار، بعد اجتماعی فرهنگ‌ها و رفتارهای متفاوت از جامعه شهری، اقتصادی میزان درآمد و نوع اشتغال و...) جزء محروم‌ترین قشرهای جامعه شهری به شمار می‌روند و به علت این محرومیت‌های شدید در برابر هرگونه آسیب اجتماعی نیز بی‌دفاع هستند (حاج یوسفی، ۱۳۸۲: ۱۸۴).

در سال‌های ابتدایی شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی تحلیل غالب این بود که آن را به‌عنوان مظهر بی‌عدالتی‌ها و پدیده‌ای غیرقابل حذف از نظام سرمایه‌داری معرفی کرد اندیشمندان مارکسیستی معتقد بودند که پدیده حاشیه‌نشینی تا سرنگونی نظام سرمایه‌داری در جهان باقی خواهد ماند. هم‌زمان با این تفکرات، اندیشه‌های رجویان رفاه طلبانه در راستای پذیرش نظام سرمایه‌داری، چاره‌اندیشه‌هایی برای مهار حاشیه‌نشینی ارائه کردند. راه‌حل‌هایی مانند ارائه و ساخت مسکن برای تهیدستان تحت عنوان مساکن اجتماعی یا استقرار نظام حداقل‌های معیشتی بیان کردند (امیری و خدائی، ۱۳۹۰: ۱۸). حاشیه شهرها دیگر از شکل حاشیه‌نشین صرف خارج شده و دامنه‌ی گسترده از پیامدها را به همراه دارد مهم‌ترین پیامدهایی که حاشیه‌نشینی دارد می‌توان بر اساس ماهیت، چندپخش دسته‌بندی کرد پیامدهای اجتماعی\_فرهنگی؛ پیامدهای سیاسی - امنیتی؛ پیامدهای فضایی-کالبدی و نهایتاً پیامدهای اقتصادی (امیری و خدائی، ۲۰۱۳: ۲۰۷).

حاشیه‌نشینی، در شهرهای بزرگ، کشورهای کم توسعه اشکال گوناگونی دارد اما ماهیتش یک چیز است و آن عبارت است از عدم جذب و ادغام جمعیت حاشیه‌نشین شهری در بافت اقتصادی، اجتماعی و خدماتی زندگی شهری معمولی و نسبتاً مطلوب است (ساعی، ۱۳۷۸: ۹۸).

کرمان یکی از ۱۱ استان ایران است که درگیر مسئله مشکلات درزمینه حاشیه شهر شامل حاشیه‌نشینی، زاغه‌نشینی، اسکان خودرویی شده است. در شهرستان کرمان هزار و ۳۰۰ هکتار حوزه حاشیه‌نشینی شهر کرمان است که نزدیک به ۵۰ هزار نفر جمعیت در خود جای داده است.

از مهم‌ترین عامل ایجاد و گسترش این محلات در شهر کرمان، مهاجرت از محیط‌های کوچک روستایی\_شهری، زلزله بم در سال ۱۳۸۱ و زلزله زرنند و کوهبنان، خشک‌سالی‌های دو دهه اخیر در جنوب، وجود مهاجران افغان‌ها، است که درنهایت موجب حاکم شدن فرهنگ فقر در این محلات و به تبع آن بروز انواع ناهنجاری‌های شهری مثل اشتغال افراد حاشیه‌نشین در مشاغل کاذب و انحرافات اجتماعی، ناامنی، بزهکاری،

خشونت، رو پسی گری شده است. سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده نشان می‌دهد که مکانیسم‌ها و فرایندها در عمل چندان موفق نبوده‌اند و خروجی سیاست‌ها و برنامه‌ها در بستر زمان منجر به کنترل حاشیه‌نشینی نشده است و مشارکت فعال ساکنان محلات حاشیه‌نشین در عمل برای مدیریت مناطق حاشیه‌نشین محقق نشده است. جامعه شناسان شهری به‌غیر از عوامل محیطی و اکولوژیکی عوامل دیگری را شناسایی کرده‌اند که می‌تواند به شکل‌گیری حاشیه شهرها دامن‌بزند مواردی مانند تغییر کاربری زمین‌ها، به وجود آمدن نخبگان جهانی و منطقه‌ای، شکل‌گیری مناطق اعیانی نشین در مرکز شهر و مجموعه عوامل مختلفی که شاید نپرداختن به آن‌ها باعث ناکارآمدی سیاست‌های مبارزه با حاشیه شهرها گردیده است.

به‌طور کلی اگر بخواهیم به نحوه ساماندهی حاشیه‌ها توجه کنیم باید به تفکرات نظری که در پس‌زمینه این اقدامات وجود دارد توجه نمود به‌عنوان مثال اندیشمندان بوم‌شناسی اساساً پدیده مورد مطالعه را تا حد بررسی یک عارضه یا مسئله شهری تقلیل می‌دهند و ضمن طبیعی قلمداد کردن آن، درصدد انتساب پدیده بر جبری مکانی یا طبیعی و یا حداکثر کارکرد غلط و ناقص مدیریت و برنامه‌ریزی شهری برمی‌آیند و در تحلیل نهایی آن‌ها را در روال رشد طبیعی شهر قابل حذف، جمع‌آوری یا پاک‌سازی می‌دانند (شیخی، ۱۳۸۱: ۶۳) مبنای تحلیل در مکتب بوم‌شناختی این است که زندگی شهری در حال تغییر و تحول دائمی است فرایندهایی چون ساخت و باز ساخت، توالی و اقامت مختلف و تسلسل آن، اختصاص مجدد فضا و زمین به فعالیت‌های صنعتی و تجاری و سایر فعالیت‌ها و نیز فرایندهای به حاشیه رانده شدن و فقر تحت تأثیر مکانیسم‌های بازار و سازمان‌یابی فضایی، همواره در شهر جریان دارد و بر این اساس شهر همواره در پویایی دائمی سیر می‌کند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۷۴) این اندیشمندان به در طرح ساماندهی نادیده انگاری و پاک‌سازی این مناطق را پیشنهاد می‌دهند. تفکرات لیبرالی، پذیرش اسکان غیررسمی به‌عنوان واقعیت شهری در دنیای معاصر به‌ویژه جهان سوم و شهرنشینی شتابان و ناهمگون آن می‌دانند در این دیدگاه اسکان غیررسمی به‌مثابه معلول عوامل داخلی در کشورهای در حال توسعه تلقی شده است و در جهت گذار از جامعه سنتی به جامعه صنعتی، این نوع اسکان به‌عنوان ضرورتی در فرآیند این تحول قلمداد می‌شود. تفکرات رادیکال حاشیه شهرها را عامل آسیب‌های اجتماعی و گسترش فرهنگ فقر می‌دانند لذا در ساماندهی این مراکز بحث تخلیه این مکان‌ها را پیشنهاد می‌کنند. ساماندهی مناطق حاشیه شهرها عموماً در کرمان به شکل سیاست‌های؛ تخلیه اجباری، نادیده انگاری، خودیاری و توانمندسازی انجام شده است در مناطق زاغه‌نشین بیشتر سیاست تخلیه اجرا شده است و در مناطق حاشیه‌نشین اقدامات توانمندسازی و نادیده انگاری اما همچنان نتوانسته راهکاری عملی و الگویی مدون برای این مشکل اجرا شود.

لذا با توجه به تجربه‌های نه‌چندان موفق، در ساماندهی محلات حاشیه‌نشینی ارائه و یافتن الگویی که بتواند مشکل حاشیه‌نشینی را تعدیل و سازمان‌دهی نماید مهم می‌نماید. در همین راستا پژوهش حاضر در جهت یافتن پاسخی برای این مشکل است که چه مدلی جهت ساماندهی حاشیه شهر کرمان می‌توان ارائه کرد؟

## پیشینه پژوهش

نقدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه گونه شناسی، چالش‌های حاشیه‌نشینی و بازی‌های حاشیه‌نشینیان با سیاست‌های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه)" بیان می‌کنند که شهر ساوه در طول نیم‌قرن اخیر، شاهد رشد شتابانی بوده که بخش مهمی از این رشد به دلیل پدیده مهاجرت و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی در چهارگوشه شهر بوده است. ۲۵ محله از ۵۰ محله شهر را حاشیه‌ها تشکیل می‌دهند که در یکی از چهار مرحله ورود مهاجران، شکل‌گیری انسجام اجتماعی (با ابزارهایی مانند ساخت اماکن مذهبی چون حسینیه)، دریافت خدمات و زیرساخت‌های شهری و در نهایت به رسمیت شناخته شدن و رسمی شدن کامل یا نسبی از سوی سازمان‌ها و نهادهای شهری قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد این مراحل به‌طور زنجیره‌ای به یکدیگر متصل هستند حاشیه‌نشینیان به روش‌های متنوعی با سیاست‌های رسمی مدیریت شهری بازی می‌کند و «نظریه بازی» و بنا بر کنش و واکنش‌های بازیگران به یکدیگر موجب پیش روی در هر مرحله و ورود به مرحله بعدی می‌شود و تا پایان قصه ادغام در محدود طرح جامع و تفصیلی شهر این بازی و پیش روی ادامه پیدا می‌کند.

رنگانه و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل گفتمان شهر مدرن؛ تولد کالبد شهر مدرن و بازنمایی زاغه‌نشینی" نتایج حاکی از آن است که؛ دال شهر مدرن در ایران در شرایط گفتمانی خاصی امکان حضور یافت، و هویت شهر، بر اساس وجود "دیگری" امکان‌پذیر شد و بر ساخته گردید. داستان و فرایند "شدن" شهر مدرن در ایران به گونه‌ای رقم خورد که، در مرحله اول بر "کالبد فیزیکی" به عنوان "دال مرکزی" تکیه زده، و "دیگری" خود را تحت عناوین متفاوتی نظیر: زاغه‌نشینی، کپرنشینی و اتاق‌نشینی و... بازنمایی و سرکوب نمود.

داو، فریدلندر؛ باربارا اس. اوکون<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی "انتقال جمعیتی و انقلاب صنعتی در انگلستان: فرآیندهای روستایی و شهری معکوس" مدلی از تغییر جمعیت قرن نوزدهم در انگلستان و ولز ارائه می‌کند این مدل، فرآیندهای جمعیتی و اقتصادی متضاد در بخش‌های روستایی و شهری را به عنوان توضیحات اصلی برای مهاجرت روستایی به شهر که از مازاد نیروی کار در بخش اول و کمبود نیروی کار در دومی ناشی می‌شود، برجسته می‌کند. این مهاجرت گسترده توزیع جغرافیایی جمعیت را در کنار تحول اقتصادی ناشی از انقلاب صنعتی تغییر داد. ما استدلال می‌کنیم که ادبیات جمعیتی در مورد فرآیندهای جمعیتی تاریخی در انگلستان و ولز در قرن ۱۹ توجه کافی به نقش مهاجرت داخلی نداشته است.

مارتین آلوارز و خاویر رویز-تاگل<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «بازتولید نمادین حاشیه‌نشینی: ساخت اجتماعی، برونی‌سازی و پیامدهای عینی انگ زنی سرزمینی در محله‌ای فقیرنشین سانتیاگو دی شیلی» انگ قلمروی یک نمایش اجتماعی و نمادین از مکانی است که توسط عوامل خارجی ایجاد و دستکاری شده است که پس از ایجاد، برای آینده آن مکان و ساکنان آن تعیین کننده می‌شود. این بی‌اعتباری گسترده و ماندگار است و «از بالا»، در رسانه‌ها، مقامات دولتی و بخشی از دانشگاه و «از پایین» در تعاملات روزمره عمل می‌کند. این مقاله از طریق یک مطالعه موردی کیفی در سانتیاگو دی شیلی، عمدتاً بر اساس مصاحبه‌ها و مشاهدات شرکت‌کنندگان، کل فرآیند

1- Daw, Friedlander Barbara S. Okun

2- Martín Alvarez &amp; Javier Ruiz-Tagle

انگ زدن را نشان می‌دهد: چگونه این بازنمایی‌های نمادین از نظر اجتماعی توسط بازیگران مختلف ساخته می‌شوند. چگونه آن‌ها در گفتمان ساکنان فرض می‌شوند، با واکنش‌های متنوعی که شامل درونی سازی مطیعانه، طبیعی سازی و چالش سیاسی می‌شود؛ و اینکه چگونه این بازنمایی‌ها باعث رها شدن چندین بازیگر می‌شود که توسط ساکنان به عنوان زندگی در «مناطق سرخ» رهاسازی مژمن نهادی تصور می‌شود. ما پیشنهاد می‌کنیم که انگ زدن به عنوان یک مکانیسم نهادی عمل می‌کند که در رابطه بین تمرکز فقر و ظهور مشکلات اجتماعی مداخله می‌کند. پوتینگر و همکار (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «شهری برای چه کسی؟ حاشیه‌نشینی و تولید فضا در بنگلور معاصر هند» شهرنشینی با حرکت به سمت جنوب، پویایی شهرسازی به سرعت در حال تغییر است. درزمینه هند که از دهه ۱۹۹۰ تغییرات شهری زیادی را تجربه کرده است، این پژوهش به یک مورد خاص از تخلیه محله‌های فقیرنشین در بنگلور پرداخت. این پژوهش نشان داد که مدل توسعه‌ای شهر گویای حاکمیت غیر دموکراتیک و غیربومی است که باعث تقویت و تداوم قطبی شدن فضای اجتماعی می‌شود. این امر باعث ایجاد چالش‌هایی برای توسعه پایدار شهری می‌شود زیرا ساکنان آسیب‌پذیر بنگلور به دلایل اساسی حذف می‌شوند. همچنین این مقاله نشان داد که تخلیه بر کیفیت زندگی ساکنان زاغه‌نشین، نقش دارد؛ و این پیامدهای منفی برای حکومت از لحاظ مشارکت اجتماعی افراد دارد و منجر به دوقطبی شدن فضا می‌گردد.

شوبرگ و همکار (۲۰۲۱) در مقاله‌ای با عنوان «مشترکات حومه شهر: ظهور حومه و پیدایش تحرکات جدید اجتماعی در محله‌های استکهلم» چنین بیان می‌کنند دولت رفاه جهانی سوئد از دهه ۱۹۹۰ با افزایش مقررات زدایی، بازسازی مجدد و توزیع معکوس از بخش عمومی به بخش خصوصی که سرمایه و نفوذ در آن متمرکز شده است، به یک مدل رفاه مختلط تبدیل شده است. در شهرهای بزرگ مانند استکهلم، این امر باعث قطبی شدن گروه‌های مرکز شهر و مناطق مسکونی ثروت و منابع گردیده است درحالی‌که گروه‌های حاشیه‌نشین و محله‌های حاشیه‌نشین با محرومیت و حاشیه‌نشینی اجتماعی بیشتری روبرو شده‌اند. مددکاری اجتماعی بخش دولتی مدت‌هاست که بر کارهای شخصی متمرکز است، درحالی‌که این توسعه مستلزم افزایش نوآوری‌ها کار در جامعه است. در این مقاله، ما ظهور جنبش‌های اجتماعی شهری را که برای مشارکت، نفوذ و عدالت اجتماعی بسیج می‌شوند به عنوان جنبه‌های مهم کار جامعه معاصر در مناطق شهری سوئد مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از طریق تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با کارگران و فعالان جامعه و همچنین مقالات رسانه‌ای، گزارش‌ها و مطالب مبتنی بر وب، نتایج نشان می‌دهد که چگونه بسیج سازمان مگافون<sup>۳</sup> به توسعه نهادهای اجتماعی جدید و شهرسازی مشترک کمک کرده است.

## مبانی نظری پژوهش

### نظریات و راهبردهای ارائه شده برای ساماندهی سکونتگاه‌های حاشیه‌نشین و غیررسمی

این نظریات و راهبردها شامل مجموعه نگرش‌هایی می‌شود که بیش تر به ارائه راه حل پرداخته‌اند.

1- Pottinger  
2- Sjöberg  
3 -Megafonen

**دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز:** این سیاست حرکت و نگرش منجرانه به سکونتگاه‌های غیررسمی و اقدام قهرآمیز در برخورد با این شکل از سکونت است. در پروژه‌ها و طرح‌های جهانی این اقدام منفورترین اقدام به شمار می‌آید. این شکل از برخورد عدم ریشه‌یابی درست مسائل و مشکلات اسکان غیررسمی و انجام اقدامات سریع به شمار می‌آید (احمدیان، ۱۳۸۲: ۴۳-۴۴). این دیدگاه که به دیدگاه بولدوزر معروف است سعی در ریشه‌کن کردن اجتماعات اسکان غیررسمی دارد. «این رهیافت در واقع صورت مسئله را پاک کرده و به جابجایی جغرافیایی مسائل باقی‌مانده توجه ندارد، همچنین در زمینه اهمیت حفظ امید برای ساکنان این اجتماعات این رهیافت یاس فراگیر را فشرده و در برابر تهدید جدی آن، انگیزه‌های مقابله و انفجار را تقویت می‌کند» (صرافی، ۱۳۸۲: ۲۷۰). این شیوه بیش از هر شیوه دیگری در برخورد با پدیده اسکان غیررسمی در سطح جهان به اجرا گذاشته شده است. «طبق اسناد موجود چنین سیاستی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ رواج یافت ... برنامه‌های زاغه‌زدایی نه تنها در بهبود شرایط مسکن ناکام بوده بلکه مشکل مسکن را هم وخیم‌تر کرده است زیرا تعداد انگشت‌شماری مسکن در دسترس گروه‌های فقیر قرار گرفته است. بر پایه پژوهش‌های به‌عمل‌آمده پیامد این برنامه‌ها به‌طور معمول بدتر شدن شرایط در سایر بخش‌های مسکونی را باعث شده است زیرا خلع ید شده‌ها به سراغ بخش‌های دیگر می‌روند یا زاغه‌شان را در جای دیگری می‌سازند» (چیما، ۱۳۷۹: ۱۴۹).

**برنامه خانه‌سازی اجتماعی:** تا پیش از دهه ۱۹۶۰، سرمایه‌گذاری دولتی در بخش مسکن، غالباً ضروری تشخیص داده نمی‌شد و از آنجا که این بخش غیراقتصادی تلقی می‌شد، با سرمایه‌گذاری در دیگر بخش‌های اقتصادی - اجتماعی انتظار می‌رفت که مسئله کم‌درآمدها به‌خودی‌خود، با بهبود وضعیت همه از طریق سازوکار بازار حل شود؛ اما از دهه ۱۹۶۰ به بعد با مشاهده استمرار و تشدید روند مسئله مسکن باعث شد تا سیاستمداران، مدیران، اندیشمندان و برنامه‌ریزان شهری توجه خاصی به این موضوع داشته باشند. لذا مؤسسات ویژه‌ای برای حل مسکن کم‌درآمدها ایجاد شد و برنامه خانه‌سازی اجتماعی یا به عبارتی ساخت واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت ویژه کم‌درآمدهای شهری، سیاست بسیاری از کشورهایی که با پدیده حاشیه‌نشینی روبرو بوده‌اند قرار گرفت (صرافی، ۱۳۸۱: ۸). در این رویکرد، دولت از طریق مؤسسات ایجادشده اقدام به ساخت مجتمع‌هایی با واحدهای مسکونی ارزان‌قیمت کرد. واحدهای ارزان‌قیمت خود دو گروه بودند. یک دسته مجتمع‌های کارمندی و دیگری واحدهایی که به‌منظور جابجایی و اسکان حاشیه‌نشینان احداث می‌شد؛ مانند کوی نهم آبان در تهران یا مجتمع ۲۵۰۰ دستگاه در بندرعباس (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷۲).

رویکرد خانه‌سازی اجتماعی نتوانست راه‌حل مناسبی برای فائق آمدن بر مشکل حاشیه‌ها و سکونتگاه‌های غیررسمی در شهر باشد زیرا اولاً مدیران شهری و دولتی، منابع مالی لازم برای تأمین مسکن به‌اندازه نیاز همه را نداشتند و دوم این که طولانی شدن مدت احداث واحدها، هزینه‌های ساختمانی را بالا می‌برد که این امر سبب بالا رفتن قیمت واحدها و در نتیجه محروم ماندن فقرا از خانه می‌شد (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۳). به دلیل این که این واحدها بدو هیچ‌گونه بررسی روی شیوه و راه‌های گذران زندگی، فرهنگ و سنت‌های رایج حاشیه‌نشینان ساخته می‌شدند، لذا موردقبول آنان واقع نمی‌شد و از طریق فروش یا اجاره در اختیار دیگران قرار می‌گرفت (زاهد

زاهدانی، ۱۳۶۹: ۷۲).

**دیدگاه تخریب و بازسازی:** در دهه ۱۹۷۰ با توجه به این که روش‌های قبلی در حل مشکل حاشیه‌نشینی نتوانستند چاره‌ساز شوند، روش جدیدی ارائه گردید که طی آن مسئولان دولتی اقدام به سرمایه‌گذاری در زمینه تخریب و بهسازی زاغه‌های شهری و سکونتگاه‌های غیررسمی کردند (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۶). در این روش، منطقه غیررسمی یا زاغه‌ای تخریب می‌شود به طوری که شکل قبلی خود را از دست می‌دهد و فقط واحدهایی که شرایط مناسبی برای زندگی دارند حفظ می‌شود (هیراسکار، ۱۳۷۶: ۱۱۴). به‌عنوان نمونه محله غربت خاک سفید در تهران در اسفندماه ۱۳۷۹ به کلی تخریب گردید. تخریب این محله ظاهراً به حیات آن پایان داد؛ اما این تصویری خیالی بیش نیست؛ زیرا تخریب یک محله نابهنجار نمی‌تواند راهکاری برای جلوگیری از تکرار شکل‌گیری چنین سکونتگاهی یا بهبود وضع زندگی فقرا شهری باشد. ضمن این که تخریب این مناطق، عواقب و عوارض ناگواری در پی دارد.

**رویکرد ارتقا بخشی:** رویکرد ارتقا بخشی (بهسازی) که بر ضرورت استفاده از قابلیت‌های درون‌زای فقرا و پرهیز از جابجایی آنان دلالت دارد، از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی و از زمانی آغاز شد که سکونتگاه‌های فقیرنشین به‌عنوان یک پدیده ساختاری ماندگار پذیرفته شدند همچنین این رویکرد بر این فرض استوار است که وضعیت محلی، چهارچوب قانونی و مقررات هر جامعه با جامعه دیگر متفاوت است و رویکردهای پیشین در حل مشکل، ناکام بوده‌اند. سه عنصر اصلی در این طرح‌ها یافت می‌شود. عنصر اول، تأمین خدمات پایه است. برای محلات کم‌درآمد، سرانه هزینه خدمات‌رسانی بسیار بالاست و اتکا به خدمات بازار محور منطقی نیست، بنابراین ارائه خدمات لازم از سوی دولت ضروری است. عنصر دوم عبارت است از ساماندهی کالبدی و بهینه‌سازی و اصلاح معابر و صف بندی ساختمان‌ها عنصر سوم ارتقا بخشی مستلزم تأمین امنیت، حق سکونت و مالکیت است. این موضوع می‌تواند در قالب مالکیت کامل یا در شکل اجاره بلندمدت تحقق یابد؛ یعنی در این رویکرد نیز به رسمیت شناختن حق مالکیت، عاملی اساسی به شمار می‌رود (ایران‌دوست، ۱۳۸۴: ۸۲). برنامه ارتقا بخشی در سه محور اقدامات و راهکارها دنبال می‌شود که ایجاد اشتغال و درآمد در این میان دارای نقش اساسی در بهبود مسکن و محیط زندگی فقرا است. در اینجا علاوه بر پذیرش حق سکونت و توسعه و تقویت سرمایه اجتماعی در میان فقرا، افزایش درآمد ثابتی روی می‌دهد که این امر به اصلاح و بهبود محیط و مسکن می‌انجامد. از مهم‌ترین مزایای ارتقا بخشی می‌توان به این نکات اشاره کرد که ساختار اجتماعی موجود را حفظ می‌کند، نظام اقتصادی را برهم نمی‌ریزد، مسکن با هزینه کم را حفظ می‌کند، مشکلات و پیامدهای منفی تجدید اسکان را به همراه ندارد یا به حداقل می‌رساند (ایران‌دوست، ۱۳۸۴: ۸۳).

ارتقای محیطی آلونک‌نشینی آن بخشی از جامعه شهری جهان را مخاطب قرار می‌دهد که مأموریت دارد فقر را کاهش دهد و کیفیت زندگی بهتری را برای تک‌تک مردم تضمین کند چیزی که امکان بازیابی توانایی‌های انسانی را برایشان فراهم آورد. در همان حال بسیاری از تهیدستان شهری در میان ساکنان مرفه زندگی می‌کنند، پردامنه‌ترین تمرکزهای فضایی تهیدستان در آلونک‌ها و حلبی‌آبادهای درون‌شهری و به لبه‌های پیرامونی شهر خارج



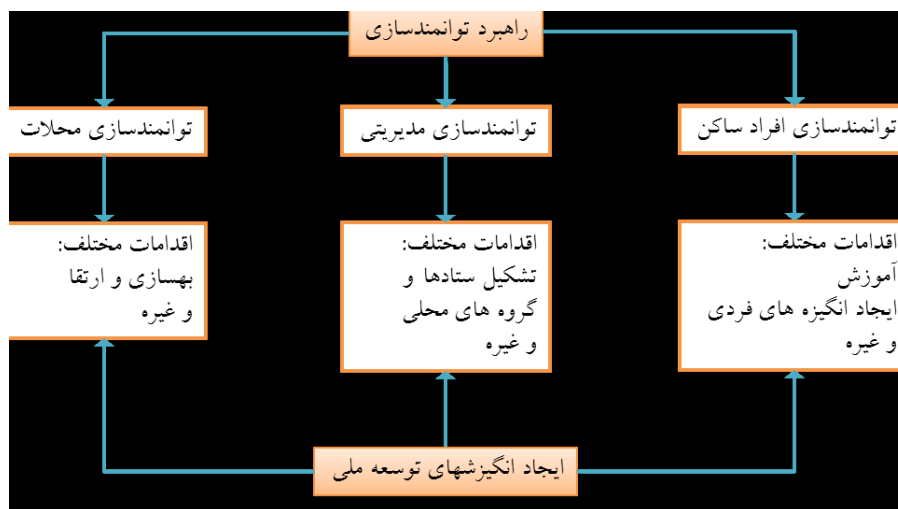
از محدوده‌های قانونی یافت می‌شود. ارتقای محیطی آلونک‌ها از سازمان‌دهی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی و زیست‌محیطی تشکیل می‌شود که با همکاری شهروندان به صورت محلی، گروه‌های جامعه محلی و بخش تجاری مقامات محلی به اجرا درآید (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۵۴).

**توانمندسازی:** سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ سیاست‌های آزادسازی و تثبیت اقتصادی به طور عام و سیاست‌های مسکن مربوط به آن به طور خاص موردنقد قرار گرفت، و ضرورت تغییر آن آشکار شد. این تغییر به طور کلی به لزوم ایجاد تعادل بین بخش عمومی و خصوصی و نه تکیه یک‌جانبه بر یکی از آن‌ها توجه دارد. این رویکرد به بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول محدود نبوده، بلکه این بار جمع‌بندی تجاری بود که در مرکز اسکان بشر سازمان ملل متحد و برنامه توسعه سازمان ملل متحد تکوین یافته و بانک جهانی نیز با آن هم‌داستان گشته بود. این رویکرد که نام توانمندسازی به خود گرفته است، با تصویب در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به استراتژی سرپناه مبدل شد. در این رویکرد سیاست‌های مسکن که می‌توان گفت در قالب رویکرد جدید با اقتصاد توسعه به نام نیازهای پایه جای می‌گیرد، به مقولات اجتماعی و اقتصادی توسعه یکسان برخورد می‌شود؛ و این بار به طور همه‌جانبه‌ای می‌کوشد که پروژه‌های منفرد برای مسکن کم‌درآمدها را به اقتصاد کلان برنامه‌های اقتصاد دولت بازار مالی برنامه‌ریزی کالبدی و غیره، پیوند بزند. توانمندسازی راهکاری برای توزیع مناسب منابع اقتصادی و اجتماعی به صورت پایدار است؛ که شرایطی را فراهم می‌آورد تا زندگی اقشار کم‌درآمد و فقیر با تکیه بر ظرفیت‌های درونی و اولویت‌بندی نیازهایشان، توسط خودشان بهبود یابد (اسکندری دو رباطی، ۱۳۸۲: ۷۷). رویکرد تقریباً ریشه در تفکر پلورالیسم یا جمع‌گرایی دارد. از این رو درصدد است تا در ساخت جامعه هیچ گروه معین و همسو از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بر دیگر گروه‌های جامعه تسلط مطلق نداشته باشد. هنگامی که مشارکت مردم به عنوان یک ارزش اجتماعی در جامعه پذیرفته شد، همچون وسیله‌ای بسیار مهم برای رفع بسیاری از نیازهای اساسی و عمومی محلی، منطقه‌ای و ملی به کار می‌آید (آقا بخشی، ۱۳۸۲: ۴).

بهبودی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات ضعیف، رهیافت نوینی است که به دنبال شکست و عدم موفقیت راهبردهای قبل از خود ارائه گردید و راه حل مسئله‌ی فقر شهری و اسکان غیررسمی را تنها بر مهندسی فنی و تزریق منابع مالی دولتی نمی‌بیند. بلکه در کنار و مقدم بر این‌ها مهندسی اجتماعی با حمایت بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است. دیدگاه مبتنی بر توانمندسازی و ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی بیشترین تلاش خود را متوجه نحوه واکنش تهیدستان و کم‌درآمدهای شهری به حل مسئله مسکن و سرپناه خود و راه حل‌ها و راه کارهای توانمندسازی آن‌ها و سامان بخشی سکونتگاه‌های غیررسمی کرده است (شیخی، ۱۳۸۰: ۷۴). این راهبرد بر بسیج تمامی امکانات بالقوه و منابع و تمامی عوامل برای ایجاد مسکن و بهبودی در شرایط زندگی جوامع فقیر تأکید دارد و به مردم این فرصت را می‌دهد که شرایط خانه و محل زندگی خود را با توجه به اولویت‌ها و نیازهایشان بهبود بخشند. در روش توانمندسازی مرکز توجه، ساکنان شهر و مردم هستند و دولت متعهد می‌گردد که تسهیلات لازم را برای آنان فراهم کند. بهسازی شهری همراه با توانمندسازی اجتماعات محلی، رهیافت نوینی برای حل مسئله فقر شهری است که دیگر مهندسی ساختمان و تزریق منابع مالی

صرف را راهگشا نمی‌داند بلکه مهندسی اجتماعی با حمایت و تسهیل بخش عمومی و سازمان‌های غیردولتی و محلی و مشارکت فعال ساکنان موردنظر است (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷). آنچه در این راهبرد محوریت دارد، تأکید ویژه بر افزایش درآمد و فقرزدایی خانوار است که بدین منظور آموزش‌های حرفه‌ای و بالا بردن مهارت نیروی کار و کمک به آنان در دسترسی به منابع و سازمان‌دهی و بازاریابی بهتر کسب و کارشان به‌ویژه با میانجی‌گری سازمان‌های غیردولتی و محلی بسیار بااهمیت است. امروزه در جهان، سیاست تخریب و تخلیه اجباری اسکان غیررسمی کاملاً مطرود و خلاف پایه‌ای‌ترین حقوق بشر دانسته شده و آنچه واقع‌بینانه و نوع‌دوستانه به نظر می‌رسد، راه‌حل مداراگرایانه و یا اصلاح تدریجی در مسیر یکپارچگی با شهر رسمی است. چنین راه‌حلی بر اساس بسیج سرمایه درونی این سکونتگاه‌ها با یاری و تسهیل‌کنندگی بخش عمومی فکر شده است در جریان توانمندسازی، سه حوزه اساسی باید در نظر گرفته شود:

۱. توانمندسازی حوزه مدیریت سازمانی نظارت‌کننده و قوانین و مقررات
  ۲. توانمندسازی افراد محلات نابسامان شهری در ابعاد مختلف
  ۳. توانمندسازی محلات مسکونی و نابسامان شهری از طریق ارتقا و بهبود وضعیت
- در شکل زیر، سه محور افراد ساکن، ساختار مدیریتی و ارتقای محلات رئوس اساسی حرکت را تشکیل می‌دهند.



شکل (۱): الگوی کلی راهبرد توانمندسازی (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۲: ۳۷).

**دیدگاه خنثی و منفعل:** در این نگرش، مسئولان و مدیران شهری پدیده را نادیده می‌انگارند. «این رهیافت که با نگرشی لیبرالی و تشابه سازی تاریخی با مراحل توسعه‌ای جوامع توسعه‌یافته، اسکان غیررسمی را پدیده‌ای گذرا و میرنده تلقی می‌کند و از این رو خواهان رهاسازی آن به سازوکارهای بازار است و انتظار دارد که با گذر زمان و دست یافتن به توسعه، دیگر اسکان غیررسمی وجود نداشته باشد. خطای این نگرش در تشابه سازی تاریخی برای کشورهای جنوب با توجه به استمرار و گسترش این پدیده مشهود است ضمن آن که بی‌توجهی به میلیون‌ها شهروند طی ده‌ها سال به امید حل خود به خودی مسائل، از نظر ارزش‌های انسانی مقبول نیست» (صرافی، ۱۳۸۲:

۲۷۰). این استراتژی عدم توجه به بافت‌های مسئله‌دار فعلی و ارائه اقدامات جهت گسترش آتی بافت‌های نابسامان را در نظر می‌گیرد. دکترین این نظریه عدم توجه به بافت‌های مسئله‌داری است که از گذشته تا به حال شکل گرفته است. سؤال این است که این عدم توجه چه تأثیری بر روند گسترش‌های جدید و آینده خواهد داشت. حوادث اتفاق افتاده طی سال‌های اخیر در شهرهایی نظیر بندرعباس و کرمانشاه نشان می‌دهد که غفلت از بافت‌های رشد یافته لطمات جبران‌ناپذیری را در پی خواهد داشت. نمونه این امر را می‌توان به وضوح در معضلات اجتماعی موجود در این بافت‌ها اشاره کرد. حوادثی نظیر حادثه پاکدشت و ناهنجاری‌های این چنینی همان به‌بوته فراموشی سپردن بافت‌های غیررسمی و حاشیه شهر است. این نکته را نیز باید در نظر داشت که این عدم توجه بهانه‌ای خواهد بود در جهت رشد خودکار محلات (کاکوئی، ۱۳۸۲: ۵۵). هرچند در این نظریه نوعی جبرگرایی و ساختارگرایی مشاهده می‌شود و نگرشی بسیار خوش‌بینانه نسبت به موضوع دارد، اما مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ را نفی کرده و مدموم شمرده و آن را مخل آسایش ساکنان شهر خوشبخت تلقی کرده است (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۶۵).

جدول (۱): جمع‌بندی دیدگاه‌ها ساماندهی

نام دیدگاه	ویژگی اساسی	راهکارهای ساماندهی
اکولوژی بوم‌شناختی	توجه سازوکار پیدایش حاشیه‌نشینی با توجه به بافت فیزیکی شهر	حذف، جمع‌آوری و یا پاک‌سازی در روال رشد طبیعی شهر
نیازهای اساسی	علت اصلی پیدایش و گسترش حاشیه شهرها، ناکارآمدی بازارهای رسمی زمین و مسکن در پاسخگویی به نیاز قشر کم‌درآمد جامعه شهری است	حاشیه‌نشینی و حاشیه شهرها را امری طبیعی و عادی تلقی نموده، بنابراین اسکان غیررسمی به‌طور نسبی اجتناب‌ناپذیر است.
نگرش سیستمی	حاشیه شهرها محصول روابط نابرابر عناصر اجتماع، دولت، اقتصاد و فناوری در جریان عملکرد سیستم شهری است	ایجاد تعادل بین عناصر سیستم شهری و حذف نیروهایی که منجر به بی‌نظمی می‌شود.
اقتصاد سیاسی فضا	حاشیه شهرها محصول مستقیم روابط سرمایه‌داری؛ انباشت سرمایه در شهر باعث جذب مهاجران می‌شود	حل مسئله را در تغییر ساختار حاکم بر کار، تولید و توزیع و مصرف یعنی ساخت اقتصادی و سرانجام تغییر بنیادین جوامع جستجو می‌کند
لیبرالی	تحلیل پیدایش حاشیه شهرها با استفاده از قوانین بازار (پیش افتادن تقاضا از عرضه)؛ تأیید نظام اقتصادی موجود	تغییرات تدریجی در نظام اقتصادی (تأکید بر الگوی رشد اقتصادی نامتعادل)
رادیکالی	شکل‌گیری اسکان غیررسمی در جهان سوم معلول مناسبات و روابط بین‌المللی و قدرت‌های مسلط جهانی و ویژگی‌های ملی؛ ادغام اقتصادهای جهان سوم در اقتصاد سرمایه‌داری و قطبی شدن جوامع در قالب مرکز و حاشیه و قطبی شدن درونی جوامع یعنی اقلیتی ثروتمند و اکثریتی فقیر	به دنبال چاره‌های اساسی با تغییر در ساختار جامعه (اگر نظام کلان اصلاح نشود؛ نظام‌های خرد قابل اصلاح نیستند) درگیر بهبود وضعیت اجتماعات ساکن در شکل‌های غیررسمی نشده و به سازماندهی اجتماعی برای جنبش‌های سیاسی تکیه می‌کند
توانمندسازی و اقتدار بخشی	اسکان غیررسمی را به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته و به دنبال راهکارها و راه‌حل‌های بهینه‌سازی شرایط زندگی و سکونت است	دولت باید زمینه بهبود مسکن خودیار را فراهم سازد و به‌جای تخریب و مقابله، راه‌حل‌های مبتنی بر توانمندسازی، ساماندهی و بهسازی کانون‌های حاشیه‌ای را هدف قرار می‌دهد.

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱

## روش پژوهش

تحقیق حاضر با روش گراندد تئوری با رهیافت ساخت گرایانه که توسط چارمز انجام شد. نمونه نظری به صورت هدفمند از افرادی که در این زمینه تخصص و اطلاعات کافی را داشتند؛ تا اشباع نظری ادامه داشت. که نهایتاً این افراد انتخاب شدند. شهردارهای شهر کرمان و معاونین (شامل ۵: منطقه شهری) تعداد ۵ نفر؛ فرمانداری ۱ نفر؛ استانداری ۱ نفر؛ نیروی انتظامی ۱ نفر؛ دادگستری کرمان ۱ نفر؛ نمایندگان مجلس شهر کرمان ۱ نفر (یکی از نمایندگان در تحقیق مشارکت نمود)؛ کمیته امداد امام خمینی ۱ نفر؛ بهزیستی شهر کرمان ۱ نفر؛ شورای شهر کرمان ۱ نفر، ادارات تسهیل گری شهر کرمان ۴ نفر سازمان بنیاد مسکن ۱ نفر. گراندد تئوری با رهیافت چامز دو مرحله کدگذاری دارد کدگذاری اولیه و کدگذاری متمرکز دارد که در نهایت برای ارائه مدل از میان مقولات شرایط علی؛ شرایط زمینه‌ای؛ شرایط مداخله‌گر؛ راهبردها و نهایت پیامدها مشخص می‌شود. در این پژوهش ۵۶ مقوله کدگذاری اولیه شدند و در مرحله کدگذاری متمرکز ۴۵ مقوله شناسایی شد. ابزار گردآوری داده‌ها تحقیق مصاحبه نیمه ساختار یافته است. روائی صوری متن مصاحبه‌ها توسط اساتید و اعتبار اعضا تایید شد و پایانی از طریق توافق درون موضوعی حاصل شد. بدین صورت اساتید راهنما و مشاور دو متن تایپ شده مصاحبه را کدگذاری کردند که میزان تشابه ۷۸٪ به دست آمد که نشان دهنده پایانی مطلوب است.

## یافته‌های پژوهش

جدول ۲ به تشریح ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان پژوهش پرداخته است.

جدول (۲): ویژگی‌های زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان

جنسیت		سن		سابقه خدمت		تحصیلات	
مرد	۱۶	از ۳۰ تا ۳۵ سال	۳	۱۱-۱۵ سال	۲	لیسانس - فوق لیسانس	۴
زن	۲	۳۶ تا ۴۵ سال	۶	۱۶-۲۰ سال	۱۰	دانشجوی دکتری	۵
		۴۵ سال و بیشتر	۹	۲۰ سال به بالا	۶	دکتری تخصصی	۹
جمع	۱۸	جمع	۱۸	جمع	۱۸	جمع	۱۸

جدول (۳) به تفسیر مفاهیم شناسایی شده در متن مصاحبه و تشریح نمونه داده - متن پرداخته است.

جدول (۳): مفاهیم شناسایی شده در متن مصاحبه‌ها و ارتباط کدها با متن

کد	مفهوم شناسایی شده در متن مصاحبه‌ها	نمونه داده/ متن
۱۰۰۱	خشک‌سالی، مشکلات فرهنگی و اقتصادی، اتباع بیگانه عملکرد مدیریتی ضعیف و احساسی، عدم کارشناسی دقیق در ارائه خدمات در این مناطق دیدگاه تخریب و برخورد قهرآمیز ایجاد قرارگاه عملیاتی	عوامل بی‌شماری در کرمان زمینه وجود حاشیه شهرها در کرمان است جدا از عوامل اقتصادی فرهنگی جامعه مشکل خشک‌سالی استان‌های هم‌جوار مثل سیستان و بلوچستان و مهاجرت افغان‌ها به کرمان مهم‌ترین دلایل هستند البته هر کدام از مناطق حاشیه‌ای شهر کرمان یک سری حاشیه‌نشین دارد مثلاً در منطقه شرف آباد و منطقه شهرک صنعتی کرمان اتباع بیگانه بیشتر است چون نیروی کار ارزان دارد منطقه الله‌آباد شهر کرمان و شیشه‌گر یک منطقه روستایی بوده که بیشتر مشکلات اقتصادی باعث شد این منطقه در تصرف حاشیه‌نشین‌ها قرار بگیرد و چون کم امکانات

<p>داده شد توسعه پیدا کرده از نظر من دادن امکانات جاذبه به وجود می آورد من با این گونه اقدامات در مناطق حاشیه مخالفم. مدیریت مناطق حاشیه از الگو خاص پیروی نمی کند چرا که هم ارگان های زیادی متولی هستند و هم در این شهر بیشتر اقدامات مدیریتی احساسی بوده و به صورت سلیقه ای اعمال شده هر مدیری یک اقدامی انجام داده از طرفی چون این مناطق یک محل خوبی برای شناخته شدن و رای جمع کردن افراد برای انتخابات هست سعی می کنند دل مردم این مناطق به دست بیاورند. خیلی وقت ها امکانات بدون برنامه کارشناسی شده به این منطق ارائه شده (البته شورای شهری ها در این امر بسیار دخیل اند). پیامدهای متعددی می تواند حاشیه نشینی برای شهر کرمان داشته است. رشد قاچاق، دزدی، و انواع آسیبی های اجتماعی به همراه داشته. عدم ساماندهی حاشیه شهر هم باعث شده که مسئولین شهر زیر سؤال برده است. راهکار من برای این مناطق ساماندهی نیست چون جذابیت این مناطق بیشتر می کند. تشکیل یک قرارگاه عملیاتی که بتواند تصمیم گیرنده واحد داشته باشد از نظر من تنها راهکار است.</p>		
<p>به نظرم فقر اقتصادی مهم ترین علت هست برای حاشیه نشینی و توسعه حاشیه شهر کرمان دلیلش دلالت زمین هستند از نظر من بسیاری از افراد در این مناطق حقوق بگیر افرادی دیگری هستند مثلاً در منطقه شیشه گر و الله آباد چون امکانات ارائه شده است افرادی استخدام می کند و بخشی از زمین برای آن ها با مصالح ارزان یک آلونک درست می کنند و به مرور زمان زمین صاحب می شوند نقش افراد دلال و قدرتمند در این زمینه و توسعه این منطق نباید نادیده گرفته شود. حاشیه نشینان آچارهایی هستند برای افراد بانفوذ در شهرها به خصوص در کرمان؛ در این منطقه امری سیاسی تبدیل شده. ساماندهی به شکل برنامه ای مدون و در یک برنامه شامل اقدامات بلندمدت، یا کوتاه مدت نیست. جاهایی اقداماتی فقط در حد نصب برنوشته انجام شده که مثلاً این زمین مال دولت هست یا سدهای بتونی می گزاریم در جایی تخریب انجام می شود و در جاهایی هم ارائه خدمات بهسازی. این اقدامات با توجه به نظر مدیران انجام می شود و با تغییر انتصابات تصمیم گیری ها هم تغییر کرده است. به نظر من راهکار مناسب مشخص شدن یک ارگان به عنوان متولی ساماندهی است. چرا که در حال حاضر هر ارگانی خودش را در ساماندهی هنگام گرفتن بودجه دخیل می داند در ولی در زمان عملیاتی شدن و کار میدانی عموماً گردن یکدیگر می اندازند.</p> <p>پیامدهای عدم ساماندهی افزایش آسیب پذیری شهر از مهاجران غیرقانونی است. اگر بتوانیم هر بخش توانمند کنیم خیلی از آسیب های شهری کاهش می یابد.</p>	<p>فقر اقتصادی - دلالت رای جمع کردن توسط افراد بانفوذ تخریب و قهر آمیز، نادیده انگاری، بهسازی افزایش آسیب پذیری شهر از مهاجران غیرقانونی کاهش آسیب های اجتماعی و توانمندسازی هر بخش از بین بردن چند پارگی قانونی و مشخص شدت یک سازمان به عنوان متولی</p>	<p>۱۰۰۲</p>

<p>مهاجرت روستاییان به شهرها و مهاجرت از کشورهای دیگر به خصوص افغانستان؛ تحت تأثیر ناهماهنگی بخش‌های مختلف اقتصاد؛ مشکلات طبیعی (خشک‌سالی‌ها و زلزله)؛ معتمد در اختیار گذاشتن امکانات به این منطقه‌های حاشیه کار اشتباه است اما چون موضوع امنیتی می‌شود معمولاً یا مشکلات نادیده گرفته می‌شود یا سعی می‌شود یک خدمات محدودی ارائه شود. تا برخورد قانونی محکمی وجود نداشته باشد نمی‌توان انتظار داشت که مشکلات حل شوند.</p> <p>راهکار: طرح کمربند سبز اجرا شود؛ تعارض منافع بین ارگان‌های متولی از بین برود و سرپرست برای قانون‌گذاری انتصاب شود و منافع انتخاباتی دنبال نشود تا کاهش آسیب‌های اجتماعی مانند دزدی، قاچاق را در این منطقه شاهد باشیم</p>	<p>مهاجرت، مشکلات طبیعی (خشک‌سالی‌ها و زلزله) ناهماهنگی بخش‌های مختلف قهرآمیز و تخریب تعارض منافع بین سازمان‌های متولی از بین بود.</p> <p>اجرای کمربند سبز در شهر کرمان کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی مانند دزدی</p>	<p>۱۰۰۳</p>
<p>فقر مهم‌ترین عامل گسترش حاشیه‌نشینی است. اقدامات برای ساماندهی در شهر کرمان جلوگیری از ساخت‌وسازهای غیرقانونی در شهر است. عموم برنامه‌ها کوتاه‌مدت هستند. البته نگاه بهسازی در خدمات‌رسانی یک نظریه ایدئال است و ما تلاش می‌کنیم در این راستا گام برداریم. حتماً باید خدماتی در روستاها ارائه کنیم که مهاجرت از روستا به شهرها کم شود و اگر به استان‌های هم‌جوار مانند سیستان هم خدمات بهتری ارائه داده شود حجم بسیار زیادی از مهاجرین حاشیه‌نشین کرمان کم خواهد شد. راهکار پیشنهادی حل شدن چنددستگی در سیاست‌گذاری‌های مربوط به ساماندهی اجرای طرح کمربند سبز شهر کرمان که در نهایت شاهد نظم شهری و جلوگیری از وسعت شهر خواهیم بود اما به این نکته هم دقت داشت که قیمت زمین‌های سطح شهر بالاتر خواهد رفت</p>	<p>فقر سیاست‌های کوتاه‌مدت؛ جلوگیری از ساخت‌وسازهای خلاف در شهر؛ اجرای طرح کمربند سبز، حل شدن تعارض منافع، نظم شهری و جلوگیری از وسعت شهر؛ قیمت زمین‌های سطح شهر بالاتر</p>	<p>۱۰۰۴</p>
<p>مهاجرت از شهرها و روستاها اطراف کرمان؛ گسترش کارخانه‌های صنعتی در اطراف شهر؛ هزینه‌های مسکن و اجاره به شکل غیرطبیعی بالا رفته است. برای ساماندهی تأکید بر بهسازی است طرح‌هایی مانند اجرای پروژه‌های آب‌رسانی؛ اجرای شبکه‌های فاضلاب در حاشیه شهر اجرا شده است؛ اما چون هر ارگانی برای خود اقداماتی انجام می‌دهند یکپارچگی بین تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد. راهکار پیشنهادی توسعه روستاها، کارخانه‌های در روستاها تأسیس شوند.</p> <p>بهسازی و مشارکت افراد با توانمندسازی حاشیه‌نشینان.</p>	<p>مهاجرت از شهرها و روستاها اطراف کرمان؛ گسترش کارخانه‌های صنعتی در اطراف شهر؛ هزینه‌های مسکن و اجاره به شکل غیرطبیعی؛ یکپارچگی بین تصمیم‌گیری‌ها وجود ندارد؛ بهسازی؛ بهسازی و مشارکت افراد با توانمندسازی حاشیه‌نشینان</p>	<p>۱۰۰۵</p>
<p>مهم‌ترین علت گسترش حاشیه‌نشینی در شهر کرمان عدم تعیین تکلیف محلات و منطقه حاشیه شهر است مثلاً محله صیادی شیرازی سکونت‌گاه غیررسمی است (نه روستاست نه جزء شهر هست. پرآسیب‌ترین محله شهر کرمان محله قشمی‌های بم هست چون در بافت تاریخی هم قرار گرفته اقدامات خاصی صورت نگرفته؛ فقر اقتصادی؛ فرهنگی. در مسئله ساماندهی حاشیه تعداد بی‌شماری طرح ارائه شده که سازمان متولی بسیاری را به وجود آورده که اقدامات هر کدام با دیگری موازی است مثلاً طرح مساجد اسلامی، طرح تحول اجتماعی، طرح‌های تسهیل‌گری، جدیداً هم که قرارگاه خاتم انبیا متولی شده است. در حال حاضر اجرای سیاست تخریب و بهسازی مهم‌ترین اقدامات جهت ساماندهی حاشیه شهر هست.</p>	<p>عدم تعیین تکلیف مناطق حاشیه‌نشین فقر اقتصادی؛ فرهنگی؛ موازی کاری سیاست تخریب و بهسازی؛ تعیین یک‌نهاد واحد برای تصمیم‌گیری بهسازی و ساماندهی این مناطق همراه با مشارکت افراد محله و اجرا شدن کمربند سبز</p>	<p>۱۰۰۶</p>

<p>راه حل مناسب تعیین یک نهاد واحد برای تصمیم گیری و تصمیم سازی برای این مناطق است.</p> <p>بهسازی و ساماندهی این مناطق همراه با مشارکت افراد محله و اجرا شدن کمربند سبز</p>		
<p>عوامل بی شماری مانند فقر، خشک سالی، مهاجرپذیری از اتباع خارجه، مهاجرت روستائیان، زلزله ززند و بم، در شکل گیری حاشیه ها هستند. اقدامات در راستای ساماندهی تا قبل از سال ۹۰ قهرآمیز بوده است بعد از سال ۹۰ وزارت کشور مسئول شد در مورد آسیب های حاشیه اقداماتی انجام دهد با توجه به مشاهده حجم بالای آسیب ها طرح نجات انجام شد. تیم کار گروه دوره قبل قوی عمل کرد و این مشکل توجه خاص داشت که ضمن اشاره به این موضوع که نگاه قهرآمیز آسیب کاهش نمی دهد بلکه آسیب ها از منطقه ای به منطقه دیگر تغییر می دهد طرح ادارات تسهیل گری را تصویب کرد. ادارات تسهیلگری برای اولین بار تمام شماری از مناطق حاشیه نشین انجام دادند و اطلاعات دقیقی در مورد افراد ارائه ساختند اطلاعاتی مانند سن، تحصیلات و..... هر سال گزارش سالانه ای منتشر می شد. اما الآن در حال حاضر چون بودجه اختصاص نیافت دفاتر تعطیل شدن اما در تعطیلی این دفاتر در شهر کرمان فقط نبود بودجه دخیل نبود بلکه مخالف شهرداری ها و حتی استانداری به این موضوع دامن زدند. پیامد حضور این ادارات در مناطق آگاهی و حق خواهی برای مردم این مناطق است.</p> <p>راهکارهایی که در حال حاضر برای ساماندهی ارائه می شود با توجه به منطقه اقدامات متفاوتی است اما عمده اقدامات سیاست تخریب و بهسازی معمولاً در مناطق زاغه نشین با تخریب هست و حاشیه ها بهسازی. از نظر من ساماندهی متولیان بی شمار ساماندهی، و اجرای طرح های نیمه کار و ناتمام مانند مشخص شدن محدوده حاشیه شهر و در نهایت توانمندسازی افراد حاشیه نشین می توان انتظار داشت که بخشی از معضلات و مشکلات این مناطق حل شود که در این صورت سطح آسیب ها نیز کاهش می یابد.</p>	<p>فقر، خشکسالی، مهاجرپذیری از اتباع خارجه و روستاها، زلزله ززند، بم طرح های بیشمار و متولیان بیشمار تخریب و بهسازی ساماندهی متولیان، توانمند سازی با بهسازی</p>	<p>۱۰۰۷</p>
<p>از علل گسترش روزافزون حاشیه ها در شهر کرمان فقر اقتصادی، ضعف های فرهنگی، عدم برنامه ریزی بلندمدت برای حل این مشکل، ضعف ساختاری شهرنشینی،</p> <p>دوست دارم این نکته را حتماً مطرح نمایم از نظر من که در این حوزه کارکرده ام و کار میدانی انجام داده ام باید بگویم با توجه به تأکید رهبری بر حل آسیب های مناطق حاشیه کردند هیچ عزم جدی برای حل مشکلات اجتماعی وجود ندارد به عبارتی باید بگویم عزم جدی برای ساماندهی و حل مسائل اجتماعی وجود ندارد چون اولویت حال نیست. نکته دیگر شکاف عمیق میان واقعیت حال جامعه و تصورات برنامه ریزان وجود دارد به عنوان مثال هفته پیش یک نفر معرفی کردند برای اشتغالزایی در مناطق حاشیه با حرف ها و جلسه ای که ما با این آقا داشتیم متوجه شدیم اطلاعات واقعی در مورد این منطقه ندارد و هدف سیاسی دارد و دنبال اقداماتی شعاری است. نگاه دیگری که مورد توجه قرار نمی گیرد این است که اقدامات غیر کارشناسانه می تواند آسیب این مناطق بیشتر کند. مثلاً تخریب</p>	<p>شهر کرمان فقر اقتصادی، ضعف های فرهنگی، عدم برنامه ریزی بلندمدت برای حل این مشکل، ضعف ساختاری شهرنشینی اولویت قرار نگرفتن حل مسائل اجتماعی مانند حاشیه نشینی تخریب و بهسازی مشارکت افراد حاشیه در طرح های بهسازی، کمربند سبز شهر کرمان اجرا شود</p>	<p>۱۰۰۸</p>

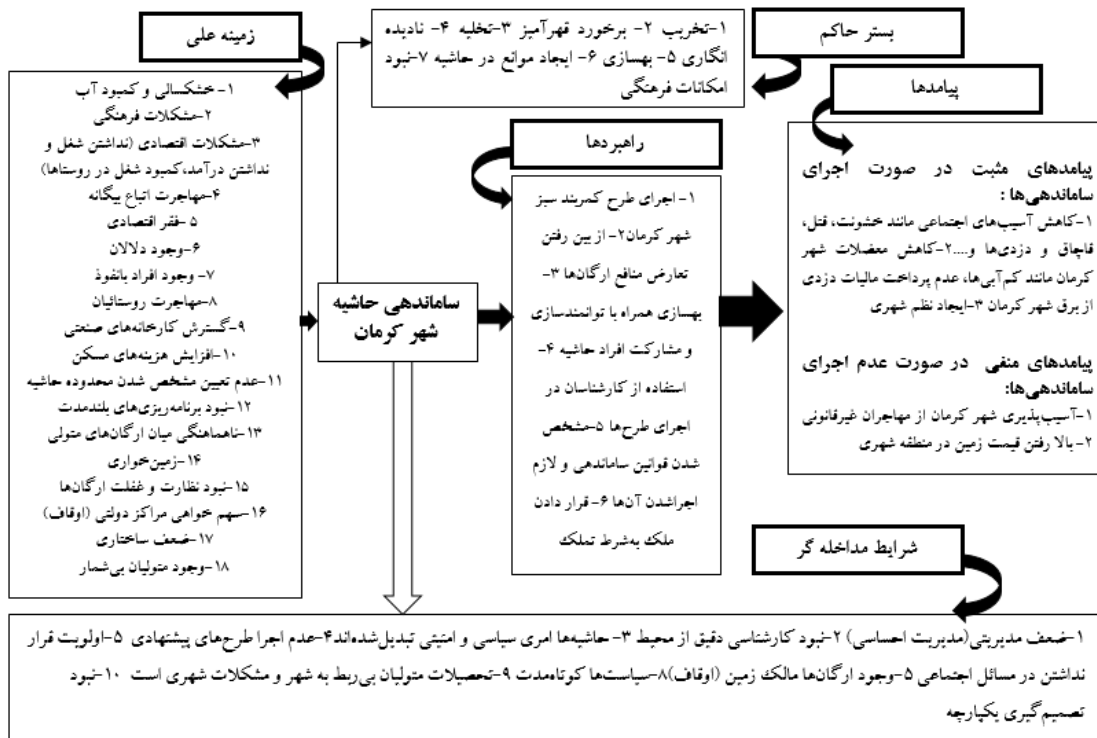
<p>یک منطقه در محله شیشه گر کرمان که از نظر شهرداری لازم بود و اجازه اداره تأمین برای تخریب گرفته د با توجه به مخالفت ما به عنوان یک مرکز تسهیل گری انجام شد نتایج این شد که پیامدهای بدی برای منطقه دیگر شهرک صنعتی فراهم کرد که آمار دزدی های این منطقه بیشتر شد بعد از پیگیری ها متوجه شدیم معتادین متهاجر که در محله شیشه گر بودند وارد محله شهرک صنعتی شده اند و عملاً مشکل از منطقه به منطقه دیگر منتقل شده با آسیب های بدتری به همراه دارد. تمامی افرادی که در حاشیه ساکن هستند لزوماً افراد دچار آسیب نیستند و می توان با مشارکت آن ها در بهسازی این مناطق گام های مفیدی برداشت. از نظر بنده باید به دنبال علت های اجرا نشدن کمر بند سبز شهر کرمان بود. به نظر من چون افراد بانفوذ جز زمین خواران شهر کرمان هستند از مهم ترین دلایل است.</p>		
<p>از مهم ترین علل گسترش حاشیه شهر کرمان می توان؛ عدم اجرایی شدن طرح هایی چون کمر بند سبز و مشخص شدن محدوده حاشیه؛ کمبود آب در شهر کرمان و استان های هم جوار؛ عدم نظارت دقیق و غفلت ارگان های متولی؛ وجود افراد سودجو و دلالان زمین؛ نام برد. در حال حاضر بیشتر نگاه قهر آمیز داریم ولی بهسازی در برنامه ریزی ها وجود دارد. راهکار پیشنهادی واگذاری واحدهایی به شرط تملک و کاهش فقر است. اگر فقر از بین برود و اشتغال زایی در این مناطق شود می توان امیدوار بود که آسیب های این مناطق کم شود. در حال حاضر در شهر کرمان این مناطق مراکز برای توزیع و مصرف مواد مخدر هستند درگیری های خشونت آمیز و بسیاری از تخلفات شاهد هستیم</p>	<p>عدم اجرایی شدن طرح هایی چون کمر بند سبز و مشخص شدن محدوده حاشیه؛ کمبود آب در شهر کرمان و استان های هم جوار؛ عدم نظارت و غفلت ارگان های متولی؛ افراد سودجو و دلالان زمین؛ زمین خواری ورود ارگان هایی که مالک زمین ها تخلیه؛ واگذاری واحدهایی به شرط تملک و کاهش فقر</p>	<p>۱۰۰۹</p>
<p>مشخص نبودن محدوده حاشیه شهر کرمان؛ خلأهای قانونی که درگیری و ساماندهی این مناطق وجود دارد، عدم نظارت دقیق ارگان های متولی؛ افزایش دلالان زمین؛ زمین خواری. افراد پر قدرت جلوی بسیاری از اقدامات ساماندهی را گرفته است مثلاً خرید و فروش زمین ها در منطقه هوانیروز کرمان در شهر کرمان تأکید بر بهسازی است ولی بهسازی متناسب با رشد حاشیه نیست در نتیجه نمی تواند به خوبی جواب گوی نیاز این شهر باشد اگر بخواهیم که به خوبی بتوانیم از پس این معضل بر بیاییم یک بسیج همگانی و مشارکت میان مردم و مسئولین لازم است. راهکار سرعت بخشی به بهسازی این مناطق است و اجرای قوانین سخت گیرانه برای متخلفین. اگر این اقدامات انجام نشود آسیب های شهری بیشتر می شود دزدی های مرکز شهر بیشتر می شود.</p>	<p>مشخص نبودن محدوده حاشیه؛ خلأهای قانونی که در این زمینه وجود دارد، عدم نظارت دقیق ارگان های متولی؛ افزایش دلالان زمین؛ زمین خواری افراد پر قدرت جلوی بسیاری از اقدامات ساماندهی را گرفته است بهسازی (با رشد کند) سرعت بخشی به بهسازی</p>	<p>۱۰۱۰</p>
<p>ضمن تأسف برای وجود این پدیده در شهر کرمان مهم ترین دلایل می توان به خشکسالی های مکرر روستاهای این استان؛ مهاجر پذیری از کشورهای همسایه مانند افغانستان، فقر اقتصادی نام برد. اقدامات بی شماری جهت ساماندهی حاشیه شهر توسط ارگان های متعدد انجام می شود اما مهم ترین دلیل در ناتوانی چند پارگی در تصمیم گیری هاست و ضعف ساختاری شهرنشینی در شهر کرمان و نبودن زیرساخت های مانند اداره شهر به شیوه هوشمند نام برد. ساماندهی تأکید بر بهسازی و ایجاد مانع در گسترش مناطق حاشیه است. اجرای طرح کمر بند سبز؛ استفاده از کارشناسانی که در این مورد صاحب نظر هستند. از بین رفتن تعارض منافع،</p>	<p>خشکسالی های مکرر روستاهای این استان؛ مهاجر پذیری از کشورهای همسایه مانند افغانستان، فقر اقتصادی چند پارگی در تصمیم گیری هاست و ضعف ساختاری شهرنشینی بهسازی و ایجاد مانع در گسترش مناطق حاشیه بهسازی و مشارکت مردمی؛ استفاده از کارشناسان؛ اجرای طرح کمر بند سبز؛</p>	<p>۱۰۱۱</p>



<p>بهسازی و مشارکت مردمی چون هیچ کاری بدون همراهی افراد آن منطقه امکان پذیر نیست .</p>	<p>از بین رفتن تعارض منافع</p>	
<p>درآمد کم روستاهای هم جوار شهر کرمان؛ کمبود شغل در روستاها؛ فقر اقتصادی، بلایای طبیعی، سهم خواهی بعضی از سازمان های دولتی (به عنوان مثال یکی از دانشگاه های شهر بخشی از زمین های مربوط به دانشگاه به اعضا دانشگاه واگذار کرده بود بدون هماهنگی با سایر ارگان ها، سهم خواهی اوقاف در بسیاری از زمین ها شهر از علل به وجود آمدن حاشیه شهر در شهر کرمان است. عمده عملکردهای ساماندهی در شهر کرمان بهسازی و تخریب است نبود امکانات فرهنگی در منطق حاشیه ساماندهی در این مناطق با مشکلات خاصی روبرو می سازد به خصوص در بهسازی ها با افراد منطقه دچار مشکل هستیم. من با تخریب موافقم چون خیلی از جاها نبود برخورد قانونی در این منطق باعث شد شهر بی رویه گسترش یابد . استفاده مردم در این مناطق از آب و برق مجانی باعث می شود مردم ساکن شهر که هزینه پرداخت می کنند حق آن ها ضایع می شود و از طرفی هرچقدر آب در این شبکه ها پمپاژ شود عملاً بی فایده است و مشکلات شهری را نیز کاهش نمی دهد. ساماندهی این مناطق و جلوگیری از گسترش آن می توان منجر به کاهش معضلات شهری مانند کمبود آب شود.</p>	<p>درآمد کم روستاهای ؛ کمبود شغل در روستاها ؛ فقر اقتصادی ، بلایای طبیعی، سهم خواهی بعضی از سازمان های دولتی؛ سهم خواهی اوقاف در بسیاری از زمین ها شهر؛ نبود امکانات فرهنگی در منطق حاشیه بهسازی و تخریب</p>	<p>۱۰۱۲</p>
<p>سازوکار تبعیض آمیز و فقر زا در برنامه ریزی های کشوری ، سهم خواهی اداره اوقاف کرمان ؛ روستا شهر نشینان خیلی از مردم کرمان به دلایل فرهنگی علاقه ای به خریداری زمین های وقفی ندارند و دنبال زمین هایی هستند که وقف نباشند از طرفی سطح وسیعی از زمین های شهر کرمان در اختیار اوقاف است گاهی ترجیح می دهند حاشیه ساکن شوند ولی ملک وقفی نخرند. در شهر کرمان هر سازمانی یک مدیریتی دارد و هر کدام یک برنامه ای را دنبال می کند بهسازی را در برنامه ریزی های کوتاه مدت ساماندهی قرار دارد ولی عملاً کارساز نیست به عنوان مثال اداره آب و فاضلاب برنامه کاری خود را با شهرداری چک نمی کنند در منطقه ای شهرداری اسفالت منطقه حاشیه را ترمیم می کند هفته بعد اداره آب منطقه رو به علت زدت لوله فاضلاب از بین می برد. توانمندسازی افراد مناطق حاشیه می تواند به ساماندهی منطقه حاشیه کمک شایانی نماید.</p>	<p>سازوکار تبعیض آمیز و فقر زا، هم سهم خواهی اداره اوقاف کرمان، روستا شهر نشینان تعارض منافع میان ارگان های متولی بهسازی توانمندسازی</p>	<p>۱۰۱۳</p>
<p>فقر، مهاجرت روستا به شهر برای کسب درآمد، خشک سالی های مکرر، وجود دلالاتی که قدرت و وجود قدرتمندان که دنبال منفعت هستند از دلایل عمده توسعه مناطق حاشیه است. برنامه ساماندهی در هر مرحله از دوره انقلاب به صورت خاصی اجرا شده است در اوایل انقلاب به شکل سیاست های حمایتی در قالب تعاونی های مسکن دنبال شد. بعد از جنگ تحمیلی به منظور بهبود اسکان های غیررسمی این سیاست ها برای ایجاد شهرهای جدید دنبال شد که هم زمان با تأسیس سازمان عمران و بهسازی اجرایی شد. بنابراین بهسازی اولویت ساماندهی حاشیه شهرهاست. طرح هایی مانند طرح هادی ؛ کمربند سبز اما</p>	<p>فقر، مهاجرت روستا به شهر برای کسب درآمد، خشکسالی های مکرر، وجود دلالاتی که قدرت و وجود قدرتمندان که دنبال منفعت هستند، هم سهم خواهی اداره اوقاف کرمان اجرای طرح های هادی، کمربند سبز بهسازی اجرای کمربند سبز، بهسازی توأم با مشارکت</p>	<p>۱۰۱۴</p>

<p>در حل شدن این مشکل فقط بهسازی دخیل نیست آموزش این افراد و مشارکت خودشان در بهسازی منطقه می تواند کارساز باشد.</p>		
<p>از مهم ترین عواملی که باعث شده شهر کرمان رشد و گسترش بی رویه‌ای در حاشیه داشته باشد زمین خواری و عدم توجه سازمان‌های دولتی به این مناطق است، تغییر کاربری زمین‌ها توسط افراد بانفوذ (مناطق الله‌آباد، شیشه گر، هشت بهشت، بلوار سیدی)، نبودن سیاست بلندمدت برای ساماندهی، در حال حاضر هم سهم خواهی اداره اوقاف کرمان. که عدم فرهنگ شهرنشینی نیز به مشکلات این مناطق دامن میزند در شهر کرمان برنامه‌ای بلندمدت برای ساماندهی وجود ندارد و با تغییر مدیران سیاست‌های ساماندهی نیز تغییر می کند. از سوی دیگر اقداماتی که انجام می شود بیشتر در جهت بهسازی و تخریب است. بهترین راهکار را باید کارشناسان (معماران، عمران، شهر سازان، جامعه شناسان ارائه دهند تا همه ابعاد این موضوع را مدنظر قرار دهند. شاغلین در ارگان‌ها تصمیم گیرنده گاهی مدارک تحصیلی بی ربطی دارند مثلاً خود من مهندس صنایع هستم اما با توجه به اقداماتی که کشورهای دیگر انجام داده‌اند و موفق بوده‌اند کاهش فقر، بهسازی همراه با توانمندسازی با مشارکت مردمی به نظر کارساز خواهد بود.</p>	<p>زمین خواری، تغییر کاربری زمین‌ها توسط افراد بانفوذ، نبودن سیاست بلندمدت برای ساماندهی، هم سهم خواهی اداره اوقاف کرمان عدم فرهنگ شهرنشینی بهسازی و تخریب بهسازی همراه با توانمندسازی با مشارکت مردمی</p>	<p>۱۰۱۵</p>
<p>زلزله‌های مکرر در استان‌های هم جوار، فقر مردم در شهر و فقر در شهرستان‌های اطراف به دلیل بیکاری و از بین رفتن کشاورزی آن‌ها به دلیل بی آبی و خشک سالی، حضور افغان‌ها در شهر کرمان، شکل گیری پدیده افغانی کشی در استان کرمان که از شهرهای سیستان آن‌ها را با هزینه‌های بالا به شهر کرمان می آورند.</p> <p>دستگاه‌های مختلفی در امر ساماندهی نقش دارند ولی متأسفانه به صورت هدفمند و هم راستا عمل نمی کنند، بلکه به صورت جزیره‌ای عمل کرده به نحوی که از هریک از سازمان‌های دخیل در این رابطه سؤال شود، آمار عملکرد مطلوبی را ارائه می دهند این در حالی است که در عمل تغییرات قابل ملاحظه‌ای شاهد نیستیم. افراد شاغل در سمت‌های شهرداری‌ها و ارگان‌ها تصمیم گیرنده گاهی بی ربط است بنیاد مسکن بسیار توانسته عملکرد مناسبی در مناطق تحت پوشش خود داشته باشد با اجرای طرح‌هایی چون طرح هادی، و امین بخشی زمین‌ها در منطقه حاشیه شهر کرمان شده است. اما این اقدامات به تنهایی کافی نبوده چون هر سازمانی عملکردی خاص دارد. عملکرد این اداره در زمینه ساماندهی به حاشیه بهسازی است.</p> <p>طرح جامعه‌ای توسط تمامی ارگان‌های متولی انجام شود، بهسازی و توانمندسازی مردم این مناطق می تواند مشکلات این مناطق را کاهش دهد.</p>	<p>زلزله‌های مکرر در استان‌های هم جوار، فقر مردم در شهر و فقر در شهرستان‌های اطراف به دلیل بیکاری و از بین رفتن کشاورزی آن‌ها به دلیل بی آبی و خشک سالی، مهاجرت افغان‌ها جزیره‌ای عمل کردن سازمان‌های متولی در امر ساماندهی تحصیلات متولیان بی ربط به شهر و مشکلات شهری است</p> <p>بهسازی و توانمندسازی توانمندسازی مردم مناطق حاشیه و مشارکت در امر بهسازی</p>	<p>۱۰۱۶</p>

<p>وسعت شهر کرمان، مهاجرت افراد از روستاها، ارزان بودن اراضی حاشیه؛ تصرف اراضی توسط زمین خواران و فروش آن‌ها؛ فقر مردم کرمان از مهم‌ترین عوامل گسترش حاشیه‌ها است. تا زمانی که مشکل فقر مردم کرمان مرتفع نشود نمی‌توان شاهد حل و کاهش حاشیه‌نشینی و حتی جواب دهی طرح‌های بهسازی بود به‌عنوان مثال مسکن مهر اجرا شد ولی اگر نگاه شود در این منطقه بریم خیلی از افراد به دلیل گرانی‌های پیش آمده و بالا رفتن اجاره بها منازل خود را اجاره داده و به منطق حاشیه پناه آورده‌اند و باز خود افرادی که در این خانه‌ها ساکن شده‌اند عموماً جوانانی هستند که توانایی مالی دارند. ما حتی مورد داریم که خانه این محل کرایه داده است و صاحب این خانه در یک آلونک در منطقه شیشه‌گر ساکن شده است. این نشان می‌دهد مشکل اقتصادی باید مورد توجه قرار بگیرد. کاهش فقر می‌تواند بخش بزرگی از این آسیب را کاهش دهد. در حال حاضر ما هم تخریب انجام می‌دهیم و هم بهسازی. در هر منطقه‌ای باید متناسب به خودش راهکار ارائه شود به‌خصوص در شهر کرمان چون در محله‌ای مانند شهرک صنعتی و شرف آباد کرمان اتباع افغان زیادتر هستند باید ساماندهی در جهت بهسازی و بررسی وضعیت آن‌ها صورت بگیرد، در منطقه شیشه‌گر و الله آباد نقش معادین در این منطقه زیاد هست و به نظر من تخریب و جلوگیری از تصاحب زمین مهم است. در منطقه قشمی‌های بم که منطقه پرآسیب کرمان هست مسئله و مشکل و راهکار توسط کارشناسان بررسی شود (مثلاً در منطقه سرآسیاب افتتاح پارک توانست خشونت و آمار خشونت کودکان بسیار پایین بیاورد. در صورت ساماندهی این منطق خیلی از آسیب‌های که حتی بیان کردند هم احساسات افراد را جریه دار می‌کند از بین خواهد رفت.</p>	<p>وسعت شهر کرمان؛ مهاجرت افراد از روستاها، ارزان بودن اراضی حاشیه تصرف اراضی توسط زمین خواران و فروش فقر، عدم کارشناسی دقیق مسائل تخریب و بهسازی کارشناسی توسط متخصصین و توانمندسازی و بهسازی این مناطق</p>	<p>۱۰۱۷</p>
<p>حضور اتباع بیگانه؛ فقر؛ بلایای طبیعی مانند خشکسالی، زلزله، سهم خواهی بعضی از ارگان‌های دولتی و تصاحب زمین‌ها، خریداری زمین‌های ارزان توسط افراد بانفوذ و تغییر کاربری آن‌ها؛ دلالتان زمین از دلایل عمده گسترش بی‌رویه شهر است. مسئولان نهادهای متولی با انجام مساعدت‌های غیر کارشناسانه در حق زمین خواران و توسعه حاشیه شهر کمک کرده‌اند. باید محدوده شهر کرمان مشخص شود و قوانین محکمی وضع شود. در مورد ساماندهی عملکرد تخریب و بهسازی صورت گرفته معمولاً اقدامات بهسازی کوتاه‌مدت و موردی بوده، تخریب‌ها هم عموماً در مناطق زاغه‌نشین بوده‌اند. اگر ساماندهی انجام نشود چون در کرمان اتباع خارجی زیاد هستند تا سال آینده یکی از معضلات و آسیب‌های جدی این شهر خواهد بود. ساماندهی این مناطق می‌تواند شاهد کاهش خشونت، قتل، قاچاق مواد مخدر در این مناطق بود.</p>	<p>اتباع بیگانه؛ فقر؛ بلایای طبیعی مانند خشکسالی، زلزله، سهم خواهی بعضی از ارگان‌های دولتی و تصاحب زمین‌ها، خریداری زمین‌های ارزان توسط افراد بانفوذ و تغییر کاربری آن‌ها؛ دلالتان زمین مساعدت‌های غیر کارشناسانه تخریب و بهسازی قانون‌گذاری دقیق، توانمندسازی افراد، مشخص شدن محدوده شهر</p>	<p>۱۰۱۸</p>



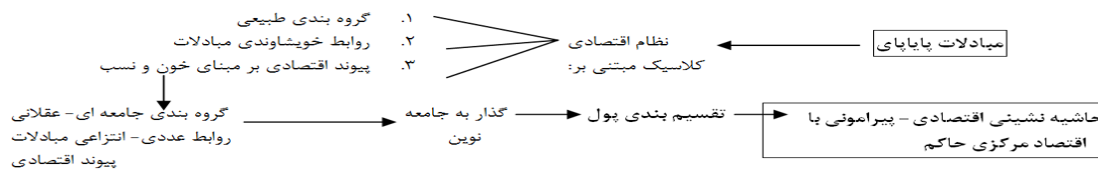
شکل (۲): مدل پارادیمی ساماندهی حاشیه شهر کرمان

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۱

## بحث و نتیجه گیری

جهان در حال تبدیل شدن به دنیایی از شهرهای بزرگ است. تمدن شهری در آغاز قرن بیست و یکم با شتاب به سمت نوعی تمدن شهری پیش می‌رود که بارزترین نمود آن شهری شدن جهان و جهانی شدن شهرهاست. یکی از چالش‌های گسترش شهرنشینی در جهان، رشد سریع شهرنشینی و کلان‌شهرها در جهان سوم است. در حال حاضر سه‌چهارم از رشد جمعیت جهان در مناطق شهری واقع در کشورهای در حال توسعه جریان دارد که منجر به رشد بی‌رویه در شهرهایی گردیده که کمترین مواجهه با این رشد را دارند. این توسعه نامتوازن شهری در کشورهای در حال توسعه عوارضی مانند بی‌نظمی فضایی، گسترش فقر و نابرابری، فرسایش و آلودگی محیط‌زیست و ناامنی اجتماعی همراه است. سیاست‌های ناکارآمد در عرصه برنامه‌ریزی مسکن و بازتاب‌های بحران اقتصاد جهانی به تدریج باعث شکل‌گیری و گسترش پدیده‌ای با عنوان شهری شدن فقر یا فقر شهری شده است. از آنجایی که تمام پدیده‌های شهری یا منطقه‌ای در تعامل هستند، لذا بازتاب گسترش فقر شهری را می‌توان از یک سو در گسست کالبدی پاره‌ای از نواحی مسکونی از پیکره کل شهر و در چارچوب کاهش میزان برخورداری از خدمات شهری، اجتماعی، کیفیت سکونت و از سوی دیگر به حاشیه رانده شدن و انزوای اجتماعی پاره‌ای از گروه‌ها مشاهده کرد. اسکان غیررسمی امروزه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین معضلات شهرهای کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته، منجر به بحث‌های محافل حرفه‌ای و واکنش مجامع بین‌المللی شده است. گوناگونی علل پیدایش و تفاوت‌های ساختاری چنین بافت‌هایی در مناطق مختلف سبب شده تعاریف متفاوتی نیز از این پدیده صورت پذیرد، این تعدد

تعاریف به نوبه خود منجر شده که نام‌های گوناگونی به این بافت‌ها اطلاق شود. در کشور ما، سکونتگاه‌هایی که به لحاظ کیفیت ساخت پایین‌تر از حد استاندارد هستند و از اصول و قواعد شهرسازی تبعیت نمی‌کنند، بانام‌های گوناگونی نظیر حاشیه‌نشینی، سکونتگاه‌های بی‌ضابطه و غیرقانونی، آلونک‌نشینی، بافت‌های خودرو، اسکان غیررسمی است. جهت تبیین یافته‌های تحقیق باید بیان کرد که یافته‌ها تأییدی بر اندیشه ۳ جامعه‌شناس زیمل، انگلس، هاروی و ولوفور است این ۳ اندیشمند بستر علی و زمینه علی را تبیین می‌کنند. زیمل معتقد است در یک نظام ساختی با بافت مدرن شهری و حاکمیت مناسبات اجتماعی مابعد سنتی - صنعتی جامعه‌ای نظام مبادلات اقتصادی بر مبنی اعتماد خویشاوندی جای خود را به اعتماد ساختی نظام‌مند و بر مبنی پول قراردادی می‌دهد. قواعد و مقررات ساخت یافته توزیع پول و در درازمدت بستر فاصله زمانی - مکانی و ساختاری افراد جامعه از لحاظ بهره‌وری از منابع نظام نشان می‌دهد (ریترز، ۱۳۹۳: ۱۶۰). که در شکل زیر به شکل کامل ترسیم شده است.



شکل (۳): نظام مبادلات اقتصادی در دیگاه زیمل

منبع: کوزو، ۱۳۸۲: ۲۹۵-۲۴۷

به عبارتی زیمل معتقد است به وجود آمدن مبادلات اقتصادی جامعه نوین و اهمیت یافتن پول منجر شده مه قشری که دستیابی به درآمد کم دارند به حاشیه رانده شوند در میان عوامل زمینه‌ای شهر کرمان پرتکرارترین عامل در باب حاشیه شهر کرمان مشکلات اقتصادی و مالی مطرح شد.

انگلس شهر اعیانی نشین و قطبی شده را مطرح می‌کند. او این واژه مورداستفاده قرارداد تا ورود مهاجران طبقه متوسط به بخش‌های درونی لندن که بیش از این با گروه‌های کم‌درآمد اشغال شده بود، توصیف کند؛ اما این پدیده تا حد زیادی به طرح‌های «پاک‌سازی محلات زاغه‌ای فقیرنشین» در پاریس و تخریب محلات طبقه کارگر اشاره دارد که به جای آن‌ها میدان و خانه‌های شهرکی برای اعیان احداث شد؛ اما به از ۱۹۷۰ این واژه به معنی برای توصیف هجوم طبقه متوسط فقیر و محله‌های شهری اقلیت استفاده شد. این نظریه هم تبیین می‌کند شرایط ساماندهی حاشیه شهر کرمان را که مناطقی که تخریب صورت می‌گیرد یا تملک ادارات درمی‌آید یا افراد بانفوذ دستی بران خواهند داشت شکل‌گیری منطقه شهر بهشت و هوانیروز کرمان نمونه بارز آن است.

چنانچه هم در زمینه های علی و هم مداخله‌ای این امر در جلوگیری از ساماندهی نقش داشت.

هاروی و ولوفور بحث «مدار دوم سرمایه» می‌نامند را مطرح می‌کنند که مناطق بی‌ارزش توسط افراد خریده می‌شوند تا در دوره‌هایی که ارزش زمین در حال توسعه نوسان است از آن بهره برداری شود. این موضوع از نظر

1- Engelz

2 - Harvey and Lefebvre

اسمیت موجب شکل گیری «شکاف اجاره‌ای» می‌گردد که به معنی بی‌ارزش شدن سرمایه و خروج سرمایه از مناطق مرکزی می‌شود و فرصت برای فضاهاى خارج از شهر و حاشیه را فراهم می‌نماید. در نتیجه توسعه و بهسازی این مناطق زاغه‌نشین و فقیر به تجارتي سودآور برای سرمایه‌گذاران تبدیل می‌شود (پارکر، ۱۹۶۵:۱۹۹). بحث مدار دوم سرمایه هم شرایط کنونی کرمان را به لحاظ شهری تبیین می‌سازد.

اما در تبیین ساختار حاکم بر ساماندهی نظریات نیازهای اساسی، رادیکال و لیبرالی و نگرش سیستمی که راهکارهای متفاوتی را ارائه می‌دهند اما این تبیین فقط در نوع عملکرد به شیوه تخریب انجام شده است یعنی در عمل نشاندهنده عملکرد توانمندسازی و اقتدار بخشی که راهکار بهسازی را ارائه می‌دهند نیست. چنانچه که خود تعدادی از مصاحبه‌شوندگان بیان کردند اقدامات بهسازی شامل تأمین فاضلاب یا آب شرب است یا حتی رنگ آمیزی جداول که این اقدامات هیچ کدام شامل بهسازی از منظر اجتماعی نیست. درحالی که در بیان راهکارهای پیشنهادی که مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌کنند تأکید بر نقش دولت در زمینه بهبود شرایط مسکن و زمینه خودیاری را فراهم سازد و به جای تخریب و مقابله، راه‌حل‌های مبتنی بر توانمندسازی، ساماندهی و بهسازی کانون‌های حاشیه‌ای را هدف قرار دهند. با توجه به نکات گفته شده پیشنهاد می‌شود که این توانمندسازی باید در مؤلفه‌های توانمندسازی افراد ساکن حاشیه، توانمندسازی مدیریتی و محلات باشد. محدوده حاشیه شهر که در طرح کمربند سبز شهر کرمان چند سال است ارائه شده؛ اجرا شود.

## منابع پژوهش

- ۱) احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی؛ ریشه‌ها و راه حل‌ها؛ پژوهش‌های اجتماعی اسلامی؛ شماره ۴۳ و ۴۴
- ۲) اسکندری دو رباطی، زهرا (۱۳۸۲)، فقرای شهری و دردرس تئوری، فصلنامه پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوم، شماره ۶۵
- ۳) آقا بخشی، علی (۱۳۸۲)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات مرکز اطلاعات و مدارک ایران
- ۴) امیری، سید رضا؛ خدائی، زهرا (۱۳۹۰)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی: چالش‌ها و پیامدها، تهران، انتشارات ققنوس
- ۵) ایران دوست، کیومرث (۱۳۸۴)، اسکان غیر رسمی جلوه‌ای از توسعه ناپایدار شهری (مرور مطالعه: شهر کرمانشاه)، رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶) پارکر، سمون (۱۹۶۵)، نظریه شهری و تجربه شهری، ترجمه حمید رضا تلخابی، فرخ مهر آیی (۱۳۹۷) انتشارات تپسا
- ۷) پیران، پرویز (۱۳۷۳)، آلونک نشینی در ایران، دیدگاه‌های نظری با نگاهی به شرایط ایران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، موسسه اطلاعات شماره ۸۸-۸۷

- ۸) حاج یوسفی، علی (۱۳۸۲)، پدیده حاشیه نشینی شهری قبل از انقلاب؛ مجموعه مقالات حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران دانشگاهی تربیت معلم.
- ۹) ریتزر، جورج (۱۳۹۳)، نظریه های جامعه شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
- ۱۰) زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی در ایران، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
- ۱۱) زنگانه، احمد؛ سلیمانی، محمد؛ کمانرودی، موسی؛ مزرعاوی، عماد (۱۴۰۰)، تحلیل گفتمان شهر مدرن؛ تولد کالبد شهر مدرن و بازنمایی زاغه نشینی؛ مجله توسعه فضاهای پیراشهری؛ شماره ۵.
- ۱۲) ساعی، احمد (۱۳۷۸)، مسائل سیاسی \_ اقتصادی جهان سوم، انتشارات سمت، تهران
- ۱۳) شکوئی، حسین (۱۳۹۰)، جغرافیای اجتماعی شهر، انتشارات جهاد دانشگاهی
- ۱۴) شیخی، محمد (۱۳۸۱)، توضیح فرآیند شکل گیری و تبدیل از سکونتگاه های خودروهای اطراف کلانشهر تهران، مورد مطالعه: اسلام شهر، نسیم شهر و گلستان. پایان نامه دکتری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۵) شیخی، محمد (۱۳۸۰)، نقش مدیریت شهری در کنترل آسیب های ناشی از اسکان غیررسمی و حاشیه نشینی کتاب ماه علوم اجتماعی دوره جدید، آبان ۱۳۸۹ - شماره ۳۲
- ۱۶) صرافی، مظفر (۱۳۸۲)، به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیر رسمی از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره ۸.
- ۱۷) قاسمی خوزانی، محمد (۱۳۸۰)، اسکان غیر رسمی و بهسازی محله های فقیر نشین شهری، تهران، ماهنامه شهرداری ها، شماره ۴۵
- ۱۸) مدنی پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندی اجتماعی - مکانی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۱۹) نقدی، اسدالله؛ خانیان، مجتبی؛ روئینتن، محبوبه؛ حقیریان، شیدا؛ شاهرخ، عماد (۱۴۰۰)، مطالعه گونه شناسی، چالش های حاشیه نشینی و بازی های حاشیه نشینان با سیاست های شهری (مورد مطالعه: شهر ساوه) نشریه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دهم - شماره ۱
- ۲۰) هادی زاده بزار، مریم (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان، انتشارات شهرداری مشهد با همکاری نشر تپهو، مشهد.
- ۲۱) هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر؛ ترجمه فرخ حسامیان، تهران، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری
- ۲۲) هیراسکار، جی کی (۱۳۷۶)؛ درآمدی بر مبانی برنامه ریزی شهری، ترجمه محمد سلیمانی و احمد رضا یکانی فرد؛ تهران، جهاد

23) Dov, Friedlander ؛ Barbara S. Okun (2022), Demographic Transition and the Industrial Revolution in England: Inverse Rural and Urban Processes,

24) Martín Alvarez & Javier Ruiz-Tagle (2022) the symbolic (re)production of marginality: Social construction, internalization, and concrete consequences of territorial stigmatization in a poor neighborhood of Santiago de Chile ، Published online: 29 Jul

- 25) Pottinger, C.Pfeffer, c (2022) A City for Whom? Marginalization and the Production of Space in Contemporary Bangalore, India, Handbook of Quality of Life and Sustainability pp 295-315.
- 26) Apsamay, p (1994) .The urban environment, Vol XI, no.5, pp 69-73, in India
- 27) Malik, S, Roosli, R, &Tariq, F. (2020) Investigation of informal housing challenges and issues: experiences from slum and squatter of Lahore .Journal of Housing and the Built Environment; Dordrecht Vol. 35, Iss. 1.
- 28) Sjöberg, S, Kings, L, (2021) Suburban commons: the rise of suburban social movements and new urban commons in marginalized neighbourhoods in Stockholm, Nordic Social Work Research, vol35, 1-14



**Quarterly Journal of Urban Futurology**

*Volume 2., Number 4, 2022*

**PP: 116-140**

**Presenting a Paradigmatic Model of Organizing the Teriphery  
of Kerman city**

**Amanolah Jamshidi**, PhD student of Sociology, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Kamal Javanmard**<sup>1</sup>, Assistant Professor, Department of Sociology, Quds City Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Mehrdad Navabakhsh**, Professor of Sociology, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 19 February 2023

Accepted: 02 April 2023

**Abstract**

One of the most important issues of Kerman city is the expansion of the outskirts of Kerman city, so this present research was conducted with the aim of providing a model for organizing the outskirts of Kerman city. who had sufficient expertise and information in this field; It continued until theoretical saturation. Chums' approach has two stages of coding; in the stage of initial coding (56) and focused coding (45), categories were identified. The data collection tool is semi-structured interview research. The face validity of the interview text was confirmed by the professors and the credibility of the members, and reliability was achieved through intra-subject agreement. In this way, the supervisors and the consultant coded the two typed texts of the interview, and the similarity rate was 78%, which indicates good reliability. The findings of the research showed that the method of organizing destruction; Discharge ; The improvement (slow and limited to insufficient measures) has been implemented in Kerman city and the solution for organizing the edge of Kerman city includes the implementation of the green belt plan of Kerman city; elimination of the conflict of interest of the organs; improvement along with the empowerment and participation of marginalized people; using experts in the implementation of projects; Determining the rules of organization and the necessity of their implementation; Placing the property is subject to possession. As a result, the causal fields of organization can be explained with the theories of Engels, Simmel, Harvey, and Volofor, and in the solution part, the theory of organization and empowerment is explanatory.

**Keywords:** Organization of the outskirts of the city, the slum dwellers, the ground theory of Kerman.

**DOI: 10.30495/uf.2023.1980651.1099**

---

<sup>1</sup> - Corresponding author: zarandiazadeh@gmail.com